

مدل‌یابی معادلات ساختاری اثر پردازش هیجانی بر حل مسئله اجتماعی با میانجی‌گری توازن خود

1. فاطمه سادات سپیده دم، 2. حسین زارع*، 3. سارا پاشنگ، 4. خدیجه ابوالمعالی، 5. مرجان حسین زاده تقوایی
1. دانشجوی دکتری روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، 2. استاد گروه روان‌شناسی، دانشگاه پیام نور، 3. استادیار گروه روان‌شناسی،
دانشگاه آزاد اسلامی، 4. استادیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، 5. استادیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی
(تاریخ وصول: 97/06/04 - تاریخ پذیرش: 97/12/21)

Structural Equation Modeling of the Effect of Emotional Processing on Solving Social Problems Based on the Role of Self-balance Mediator

1. Fatemeh sadat Sepidehdam, 2. Hosein Zare*, 3. Sara Pashang, 4. Khadejeh Aboulmaali, 5. Marjan
Hoseinzadeh Taghvai

1. Ph.D Student of Psychology, Islamic Azad University, 2. Professor of Psychology Group, Payame Noor
University, 3. Assistant professor of Psychology Group, Islamic Azad University, 4. Assistant professor of
Psychology Group, Islamic Azad University, 5. Assistant professor of Psychology Group, Islamic Azad
University.

(Received: Aug. 26, 2018 - Accepted: Mar. 12, 2019)

Abstract

Introduction: Explaining the effect of cognitive ability on the social problem-solving skills through Structural Equation Modelling (SEM) with the mediating role of self-balance was the overarching goal of this study. **Method:** The participants of study were 308 persons (188 female and 114 male). The participants were selected using the convenience sampling technique from the aircrew of Iran Air who were tested thereafter. To collect data, the following four questionnaires were used: Hardin's Integrated Self-Discrepancy Index (ISDI), Social Problem Solving Inventory-revised short-form by D'Zurilla, and Nezu, and Baker's Emotional Processing Scale. **Results:** The results show that all the components of emotional processing with the components of adaptive problem solving are negatively correlated with the components of non-adaptive problem solving and are positively correlated with the significance level of 0.01. Also, the quadruple components of self-balance are correlated positively and correlated positively with the components of non-adaptive problem solving components negatively and at a significant level of 0.01. The use of confirmatory factor analysis using AMOS 18.0 and Maximum Likelihood Estimation (ML) showed that the measurement model was fitted with the collected data as desirable and all the indicators of the measurement model had the power to measure the variables. The structural model like the measurement model is fitted with the collected data. **Conclusion:** According to the results of this research, Training and upgrading cognitive ability lead to improvement of the problem-solving skills of flight operations personnel. **Keywords:** Emotional Processing, social problem-solving, self-balance.

چکیده

مقدمه: این پژوهش به تبیین اثر پردازش اطلاعات هیجانی بر الگوی حل مسئله اجتماعی بر اساس نقش میانجی‌گر توازن خود با استفاده از مدل‌یابی معادلات ساختاری (SEM) می‌پردازد. روش: در این پژوهش 308 شرکت‌کننده (188 زن و 114 مرد) حضور داشتند که به شیوه نمونه‌گیری در دسترس از بین کارکنان عملیات پرواز هوایی جمهوری اسلامی ایران مورد آزمون قرار گرفتند. جهت سنجش متغیرهای پژوهش از 3 پرسشنامه، شاخص یکپارچه ناهم‌خوانی خود هاردین، مقیاس توانایی حل مسئله اجتماعی فرم کوتاه تجدید نظر شده دی‌زوریللا و نزو و مقیاس پردازش اطلاعات هیجانی باکر استفاده شده است. یافته‌ها: نتایج نشان می‌دهد که همه مؤلفه‌های پردازش هیجانی با مؤلفه‌های حل مسئله انطباقی به صورت منفی و با مؤلفه‌های حل مسئله غیر انطباقی به صورت مثبت و در سطح معناداری 0/01 همبسته‌اند. همچنین مؤلفه‌های چهارگانه توازن خود با مؤلفه‌های حل مسئله انطباقی به صورت مثبت و با مؤلفه‌های حل مسئله غیر انطباقی به صورت منفی و در سطح معناداری 0/01 همبسته‌اند. به کارگیری تحلیل عاملی تأییدی با استفاده از نرم افزار AMOS 18/0 و برآورد بیشینه احتمال (ML) نشان داد که مدل اندازه‌گیری با داده‌های گردآوری شده به صورت مطلوب برازش دارد و همه نشانگرهای مدل اندازه‌گیری از توان لازم برای اندازه‌گیری متغیرهای مکنون پژوهش حاضر برخوردار بودند. مدل ساختاری نیز همانند مدل اندازه‌گیری با داده‌های گردآوری شده برازش دارد. نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج بدست آمده از این پژوهش آموزش و ارتقاء توانایی شناختی منجر به بهبود مهارت حل مسئله کارکنان عملیات پرواز می‌شود. واژگان کلیدی: پردازش هیجانی، حل مسئله اجتماعی، توازن خود.

مقدمه

مسائل وجود دارد. مسائل خوب تعریف شده³ مسائلی هستند که در آن تمام جوانب مسئله به خوبی مشخص است. مسائل خوب تعریف نشده⁴ مسائلی هستند که به درستی تعریف نشده‌اند. بسیاری از مسائل روزمره به خوبی تعریف نشده‌اند (زارع و فروزنده، 1391). حل مسئله اجتماعی⁵ فرایندی را شامل می‌شود، که شخص برای کشف و شناسایی پاسخ‌های مقابله‌ای سازگارانه و به منظور مواجه شدن با موقعیت مشکل‌زای خاص در زندگی روزمره تلاش می‌کند (دی روزیلا و نزو⁶، 2001). حل مسئله اجتماعی یک فرایند رفتاری - شناختی معطوف به خود⁷ است که در طی آن فرد کوشش می‌کند راه حل‌های مؤثر و سازگارانه‌ای را برای موقعیت مشکل آفرین خاص که در زندگی روزمره با آن مواجه می‌شود شناسایی و کشف کند. در واقع حل مسئله اجتماعی یک فعالیت هدفمند، مجدانه و آگاهانه در نظر گرفته می‌شود و به عنوان یک پیامد شناختی هدفمند یا عملیات مؤثر تلقی می‌شود (ابوالمعالی و همکاران، 1392). شواهد زیادی نشان دهنده این است که نقص در حل مسئله اجتماعی با آشفتگی روان‌شناختی به ویژه اختلال‌های محور یک رابطه دارد (مالیک⁸ و همکاران، 2006). با توجه به منطق زیست - اجتماعی زندگی انسان، مسائل مطرح برای انسان به طور چشم‌گیری ریشه و اساس اجتماعی دارند که انسان در مواجهه و به منظور حل

شناخت از کارکردهای مغز و ذهن می‌تواند تأثیر بسزایی بر همه ابعاد حیات انسان داشته باشد. موضوعاتی از این قبیل که انسان چگونه به درک، تشخیص و حل مسئله می‌پردازد در حوزه شناخت¹ قابل بررسی هستند. برخی پژوهشگران (آیزیک و کین، 2010) شناخت را به دو حوزه شناخت پایه (توجه، ادراک و حافظه) و شناخت عالی یا تفکر (استدلال، قضاوت، حل مسئله و تصمیم‌گیری) تقسیم می‌کنند (زارع و عبدالله زاده، 1391). همه انسان‌ها در زندگی روزمره خود به طور مداوم در حال حل مسئله² هستند. برخی از این مسائل ساده هستند، ولی برخی دیگر به فعالیت‌های فکری پیچیده‌ای نیاز دارند. مسائل مهم زندگی چنانچه حل نشده باقی بمانند، ناکامی روانی ایجاد می‌کند. توانایی حل مسئله فرد را قادر می‌سازد تا به طور مؤثرتری مسائل زندگی را حل کند. حل مسئله عملی شناختی است که با بازشناسی مسئله آغاز و با طی مراحل که به پاسخ می‌انجامد ادامه می‌یابد. اکثر شکل‌های دیگر تفکر به نوعی حل مسئله هستند (آیزیک و کین، 2010). در واقع حل مسئله عبارتست از پردازش شناختی برای تبدیل موقعیت مفروض به موقعیت مطلوب، در حالی که شخص حل‌کننده برای حل آن به طور آماده روش واضحی ندارد (زارع و شریفی، 1397). حل مسئله یک فرایند خطی و سلسله مراتبی است که هر مرحله نشانه‌هایی از مرحله دیگر درون خود دارد که به صورت زنجیروار به هم متصل هستند (زارع و برادران، 1393). تفاوت‌های مهمی بین

3. Well-defined problems
4. Ill-defined problems
5. Social problem solving
6. D'zurilla & Nezu
7. Self
8. Malik

1. Cognition
2. Problem Solving

موقعیت‌های اختصاصی تسهیل یا بازداری کنند. حل مسئله واقعی به بررسی راه حل‌ها از طریق کاربرد تکنیک‌های حل مسئله اختصاصی اشاره دارد. مایدیو⁷ و همکاران (2000) با بررسی شواهد تجربی در ارتباط با حل مسئله، مدل پنج عاملی را طرح کردند. این مدل دو بعد جهت‌گیری حل مسئله (مثبت و منفی) و سه سبک پاسخ حل مسئله⁸ (منطقی، تکانشی - بی‌احتیاطی احتیاطی و اجتنابی) را شامل می‌شود. جهت‌گیری مثبت به حل مسئله⁹، به تلاش و پایداری و تعهد شخصی برای حل مشکلات اشاره دارد. از طرف دیگر جهت‌گیری منفی به حل مسئله¹⁰، پاسخ‌های هیجانی - شناختی مختلفی است که گرایش کلی برای بررسی مشکل، به عنوان یک تهدید یا باور به حل ناپذیر بودن مشکلات است. حل مسئله منطقی¹¹، بعد سازنده‌ای است که به منطق آگاهانه، نظام یافته و کاربرد کافی مهارت‌های حل مسئله سازگاران و مؤثر اشاره دارد. سبک تکانشی - بی‌احتیاطی¹²، بعد منفی و ناکارآمد حل مسئله است. فردی که این سبک را دارد فقط راه حل‌های محدودی را در نظر می‌گیرد و به شیوه تکانشی از اولین ایده رسیده به ذهن خود استفاده می‌کند و سرانجام سبک اجتنابی¹³ نیز بعد مختل‌کننده و ناکارآمد حل مسئله است که با انفعال، وابستگی، تعلل و مسامحه مشخص می‌شود. فردی که این سبک را دارد، در حل مسئله به جای مواجه شدن با مشکلات، از آن‌ها اجتناب می‌کند (مایدیو و همکاران،

مسائل ساده و پیچیده‌ای که همه روزه پیش رو دارد، باید از توانایی‌های خود و دیگران کمک بگیرد. حل مسئله در درون محیط اجتماعی طبیعی رخ می‌دهد و با مشکلات فردی و اجتماعی در ارتباط است (دیزوریلا و نزو، 2007). حل مسئله یکی از فرایندهای شناختی¹ درگیر در فرایند یادگیری انسان است (جاناسین²، 2011). مطالعات متعددی نشان داده‌اند که حل مسائل اجتماعی به عنوان مجموعه‌ای از مهارت‌های شناختی و فراشناختی است (دزوریلا و نزو، 2007). حل مسئله غالباً توسط دو فرایند کلی جهت‌گیری نسبت به مسئله و مهارت حل مسئله مشخص می‌شود. جهت‌گیری نسبت به مسئله به چگونگی توجه انسان به محیط اطراف اشاره دارد و تا حدی مدل شناختی - هیجانی ثابتی است که افراد نسبت به مسائل زندگی خودشان دارند و چگونگی ارزیابی آنان از ظرفیت‌های حل مسئله خود را نشان می‌دهد (دیزوریلا و نزو، 2003). دی زوریلا و نزو دو عامل جهت‌گیری مثبت نسبت به مسئله³ (PPO) و جهت‌گیری منفی به مسئله⁴ (NPO) را مطرح می‌کنند. جهت‌گیری حل مسئله⁵، مؤلفه انگیزشی⁶ پردازش حل مسئله است که که مجموعه عملیات نسبتاً ناپایداری از طرحواره‌های روان‌شناختی هیجانی باثباتی را شامل می‌شود، که بیان‌کننده آگاهی‌ها و ادراکات کلی فرد از مسائل روزمره خود و توانایی برای حل مشکلات است. این طرحواره‌ها می‌تواند عملکرد حل مسئله را در

7. Maydeu

8. Problem-solving style

9. Positive approach to problem solving

10. Negative orientation to problem solving

11. The logical problem solving

12. Impulsive problem solving style

13. Avoidant problem solving style

1. Cognitive processes

2. Janassen

3. positive problem orientation

4. Negative problem orientation

5. Orientation to problem-solving

6. Motivational

پردازش هیجانی شامل تلفیق اطلاعات جدید با ساختار حافظه از قبل موجود است که می‌تواند پاسخ عاطفی را کاهش و یا افزایش دهد. پردازش هیجانی به طور خود به خود در تمام عمر به وقوع می‌پیوندد و با تجارب زندگی کاهش یا افزایش می‌یابد (فوآ و کوزاک، 1986). راجمن پردازش هیجانی را فرایندی می‌داند که از طریق آن اغتشاش‌های عاطفی جذب شده و سپس رو به کاهش می‌گذارند. به طوری که سایر تجارب و رفتارها بتوانند بدون پریشانی صورت گیرند. اگر یک اغتشاش عاطفی به طور رضایت بخش جذب شود، بعضی از نشانه‌ها ظاهر خواهند شد. این نشانه‌ها به طور متناوب ظاهر می‌شوند و ممکن است به صورت مستقیم و آشکارا و یا غیرمستقیم و ناآشکار باشند. تداوم و یا برگشت مجدد نشانه‌های مزاحم فعالیت عاطفی (از قبیل وسواس‌ها، کابوس‌ها، فشار تکلم، هراس‌ها، ابزار عاطفی نامتناسب و افراطی) نشانه اصلی غیر رضایت بخش بودن پردازش هیجانی است. نشانه‌های غیرمستقیم شامل ناتوانی در تمرکز بر تکالیف دستی، بی‌قراری افراطی و تحریک پذیری است. از موارد فوق چنین استنباط می‌شود که وقوف بر ناکامی در پردازش هیجانی راحت تر از آگاهی از موفق بودن آن است. زمانی می‌توان از پردازش موفق هیجانی سخن گفت که شخص بتواند بدون اغتشاش و ناراحتی هیجانی در مورد رویدادهای هیجانی به راحتی سخن بگوید، ببیند، بشنود و یادآوری نماید (راجمن، 1980). بسیاری از آثار پژوهشی نشان داده‌اند که پردازش هیجانی می‌تواند بر شناخت اولویت داشته باشد. هیجان‌ات در مرحله‌ای از تکامل به عنوان ابزاری که موجودات زنده اهمیت شرایط خاصی را برای رفع

2000). هیجان‌ها پدیده‌ای پیچیده و چندوجهی هستند. هیجان‌ات نقش اصلی را در ارتباطات انسانی فراهم می‌کنند و همچنین نیروی انگیزشی برای چه بهترین و چه بدترین رفتار در انسان هستند (دولان¹، 2002). آن‌ها در تمامی فرآیندهای روانی حضور دارند، و هر فعالیت انسان (حتی آسیب‌شناسی روانی) همراه تجارب هیجانی است (والنزا² و اسکلینگو³، 2014). داده‌ها نشان می‌دهد که ناتوانی هیجانی و مشکلات اجتماعی شاخص‌های بهتری از آسیب‌ها (اختلالات) در زندگی روزمره افراد از سطح نشانه شناسی هستند که فی نفسه منجر به تأثیر منفی این مشکلات بر حیطه‌های تحصیلی، خانوادگی و شغل می‌گردد (مارگانسکا⁴ و همکاران، 2013). پردازش هیجانی نخستین بار توسط راجمن⁵ مطرح شده است. منظور راجمن از پردازش هیجانی، عبارت بود از فرآیندی که بدان وسیله، کاهشی در پاسخ‌های هیجانی ایجاد می‌شود. عمده افراد با ناراحتی‌های روانی سازگار می‌شوند و به زندگی عادی خود ادامه می‌دهند یا به رفتارهای خود ادامه می‌دهند. یک تعداد عمده‌ای از افراد هم در سازگار شدن موفقیت آمیز شکست می‌خورند. راجمن (1980) پردازش هیجانی را فرایندی می‌داند که به وسیله آن آشفتگی عاطفی جذب و به اندازه‌ای کاهش می‌یابد که تجارب و رفتارهای دیگر بدون اغتشاش می‌تواند صورت بگیرد. اما برخلاف راجمن، فوآ و کوزاک⁶ معتقد بودند که

1. Dolan
2. Valenza
3. Scilingo
4. Marganska
5. Ranchman
6. Foa & kozak

می‌توانند زندگی یک فرد را دگرگون سازند. بنابراین میزان ناهمخوانی خود¹⁵ در چرخه زندگی متغیر است (جوهانسون¹⁶، 2003). تاکنون سنجش خودناهمخوانی در حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی و روان‌شناختی برای پیش‌بینی حرمت خود، پیشرفت تحصیلی، سوء استفاده از مواد مخدر و مشروبات الکلی به کار رفته است (براج، رایوت و لورانتی¹⁷، 2000). هیگینز¹⁸ (1987) در قالب شناختی سه حیطه از باورهای مربوط به خود را برای درک تجربه هیجانی مهم می‌داند. خود واقعی¹⁹، که ادراک فرد نسبت به صفات و ویژگی‌های خویش است؛ خودآرمانی²⁰، که شامل آرزوها و تمایلات فرد برای دست‌یابی به صفات مورد نظر است؛ و خودبایدی²¹ که بیانگر احساس الزام و اجبار فرد برای دست یافتن به صفات و ویژگی‌هایی خاص است.

نظریه خودناهمخوانی هیگینز (1987) به فاصله موجود بین خود واقعی فرد با دو نوع خود آرمانی و خود بایدی اشاره دارد که بر این اساس دو نوع خودناهمخوانی از یکدیگر متمایز می‌گردد؛ 1- خودناهمخوانی واقعی / آرمانی²²، که نشانگر میزان فاصله بین خود واقعی فرد با خود آرمانی او است و 2- خود ناهمخوانی واقعی / بایدی²³، که میزان فاصله بین خود واقعی فرد با خود بایدی وی را نشان می‌دهد. این نظریه دارای دو پیش‌بینی اساسی است. 1-

نیازهای ضروری خود، تعیین می‌کنند، ظهور می‌کنند (والنزا، اسکلینگو¹، 2014). آموزش پردازش هیجانی می‌تواند در افزایش مهارت‌های عاطفی برای کاهش آشفتگی و مشکلات هیجانی و روانی مؤثر باشد (مارتینی و همکاران²، 2010). باکر³ (2007)، پردازش هیجانی را در سه سطح تشخیص و تجربه، کنترل و بیان و پردازش ناکافی هیجان طبقه بندی کرد و معتقد است پردازش هیجانی در هر یک از این سه سطح می‌تواند با نقصان روبه‌رو شود. این سه سطح شامل هشت سبک است. سبک‌های مربوط به تشخیص و تجربه هیجانی شامل؛ فقدان همسویی⁴، ناموزونی⁵، برون‌سازی⁶، سبک‌های مربوط به کنترل و بیان هیجان‌ات شامل؛ سرکوب⁷، تجزیه⁸، اجتناب⁹ و عدم کنترل¹⁰ و سبک مربوط به پردازش ناکافی هیجان‌ات شامل مزاحمت است. پژوهش‌ها نشان دهنده روابط قابل توجه بین ابعاد هیجانی با توانایی حل مسئله است (سالیش¹¹ و همکاران، 2013). از نظر راجرز خود یک نیاز اساسی مثبت است (چان¹²، 1997). راجرز دو اصطلاح را به طور متداول به کار برده است: خود واقعی¹³ و خود ایده آل¹⁴. انواع خودها تا دوره‌های رشدی مختلفی مانند جوانی و میانسالی، همگی

1. Valenza & skingo
2. Martini
3. Bakar
4. Lack of attunement
5. Discordant
6. Externalized
7. Suppresion
8. Dissociation
9. Avoidance
10. Uncontrolled
11. Salish
12. Chan
13. Actual-Self
14. Ideal-Self

15. Self discrepancy
16. Johanson
17. Bruch, Rivet & Laurenti
18. Higgins, E. T.
19. Actual self
20. Ideal self
21. Ought self
22. Actual-ideal self discrepancy
23. Actual- ought self discrepancy

متفاوتی را ادراک می‌کنند. این پیامدهای هیجانی افراد را در درون رابطه برای رفتار به روش‌های متفاوتی برانگیخته می‌کند به طوری که در این نظریه عاطفه و احساسات و تعارضات خود و ناهمگنی‌هایش مسئله و مشکلات عاطفی تولید می‌کند (آدلر⁴، 1964). واتسون، بریان، تراش⁵ (2010) در مطالعه بر روی خود و رابطه آن با اطرافیان نشان دادند که ابتدا خود ارتباط عمیقی به صورت شناختی در نمایش دیگران نسبت به شخص در ذهن دارد و دوم این که این ارتباط ممکن است از طرف خود ایده‌آل و بایدی گسترش یابد و سوم، خود واقعی و ایده‌آل ارتباط زیادی با هیجان‌های منفی و افسردگی دارند. نظریه ناهمخوانی خود برای اولین بار هیجات خاص مختص به اثرات این ناهمخوانی را مورد مطالعه قرار می‌دهد (هیگینز، 1987). بنابر پژوهش‌های انجام شده و مطابق با نظریه ناهمخوانی خودها (هیگینز، 1987)، عدم تطابق بین خودواقعی⁶ ادراک شده فرد و آنچه به عنوان خوداستانداردها⁷ برای خویش در نظر می‌گیرد، پیامدهای ناخوشایند روانی و عاطفی ایجاد می‌کند (باک⁸، 2014). همچنین نظریه ناهمخوانی خودها بیان می‌کند که چگونه باورهای ناسازگار در مورد خود، انواع مختلف احساسات و عواطف منفی را ایجاد می‌کنند (استیونز⁹ و همکاران، همکاران، 2013).

خودناهمخوانی واقعی / آرمانی صرفاً با افسردگی همراه است. از نظر هیگینز (1989) ناهمخوانی زیاد بین خود واقعی و خود آرمانی باعث می‌شود که شخص در رسیدن به اهداف و آرمان‌هایش احساس شکست کند. این نوع خودناهمخوانی فرد را نسبت به احساسات ملال‌آوری مانند افسردگی و ناامیدی آسیب‌پذیر می‌سازد. 2. خودناهمخوانی واقعی / بایدی صرفاً اضطراب را به دنبال دارد یعنی باعث نگرانی در شخص می‌شود که نتواند انتظارات را برآورده کند. در نتیجه، احساس تخطی از وظیفه، آسیب‌پذیری فرد را در مقابل احساسات آشفته‌واری چون اضطراب و ترس از مجازات افزایش می‌دهد. پژوهشگران دیگری که در این زمینه فعال بوده‌اند، جنبه‌های دیگری از خود را گسترش داده‌اند و پژوهش‌های زیادی در این زمینه انجام داده‌اند. این پژوهش‌ها بر تمایز بین خود واقعی، خود ایده‌آل و خود بایدی¹ تأکید داشته‌اند (ویلسون²، ویلسون²، 1962؛ هیگینز³، 1987). زمانی که فرد بین بین آنچه که هست و آنچه که دوست دارد باشد، فاصله زیادی احساس می‌کند، دچار ناراحتی‌ها و مشکلات روان‌شناختی از جمله اضطراب و افسردگی می‌شود (هیگینز، 1987). پژوهش‌ها به صورتی کاملاً شفاف نشان می‌دهند که مقایسه بین جنبه‌های دو حالت از خود به صورت اساسی در جریان روابط بین افراد مؤثر است. چنین مقایسه‌ای بر پایه ارزیابی فاصله هر کدام از خود واقعی و فعلی فرد است (هیگینز، 1989). هر فردی براساس الگوهای خاصی از ناهمخوانی بین جنبه‌هایی از خود پیامدهای هیجانی

4. Adler
5. Watson, Bryan & Thrash
6. Actual self
7. Self-standards
8. Baak
9. Stevens

1. Ought-self
2. Wilson
3. Higgins

روش

جامعه آماری در این پژوهش کلیه کارکنان عملیات پرواز هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران در سال 1397 است. در این پژوهش 308 شرکت‌کننده حضور داشتند که 188 نفر از شرکت‌کنندگان زن و 114 نفر مرد بودند. که به شیوه نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و مورد آزمون قرار گرفتند. میانگین و انحراف استاندارد سن شرکت‌کنندگان به ترتیب $36/50 \pm 9/25$ بود. جهت سنجش متغیرهای پژوهش از 3 پرسشنامه مقیاس پردازش هیجانی باکر (2007) که ضرایب آلفای کرونباخ و بازآزمایی این مقیاس به ترتیب 0/92 و 0/79 گزارش شده است. لطفی و همکاران (1392) در تحقیقی مقدماتی ضریب همبستگی این مقیاس را با مقیاس تنظیم هیجان 0/54- به دست آورد ($p < 0/01$). شاخص یکپارچه ناهمخوانی خود، که بر اساس نظریه هیگینز (1987) توسط هاردین¹ (2002) ساخته شد، دارای چهار زیرمقیاس ناهمخوانی خود واقعی / ایده‌آل شخصی، ناهمخوانی خود واقعی / بایدی شخصی، ناهمخوانی خود واقعی / ایده‌آل دیگران، ناهمخوانی خود واقعی / بایدی دیگران است. هاردین و لیونگ² (2005) پایایی زیرمقیاس‌های خودناهمخوانی را از 0/73 تا 0/88 در نژادها و ملیت‌های مختلف گزارش کرده‌اند. پایایی آلفای کرونباخ کل مقیاس برابر 0/90 و پایایی زیرمقیاس‌ها از 0/77 تا 0/85 گزارش شده است (میرزاحسینی، 1387). مقیاس توانایی حل مسئله

اجتماعی فرم کوتاه تجدید نظر شده که توسط دیزوریلا، نزو (2002)، جهت اندازه‌گیری پاسخ‌های شناختی، عاطفی و رفتاری به موقعیت حل مسئله در زندگی واقعی طراحی شده است.

ضریب آلفای کرونباخ مقیاس‌های این پرسشنامه در نمونه آمریکایی از 0/45 تا 0/91 و در نمونه اسپانیایی 0/46 تا 0/85 گزارش شده است. میانگین این ضرایب در دو نمونه اسپانیایی و آمریکایی در دامنه‌ای از 0/58 تا 0/80 است. ضریب آلفای کرونباخ این پرسشنامه و خرده مقیاس‌های آن را از 0/76 تا 0/92 در جامعه سالم بدست آوردند. در مطالعه دیگری ضریب آلفای کرونباخ این پرسشنامه 0/89 بدست آمد (ابوالقاسمی و کیامرثی، 1387).

یافته‌ها

جدول 1 میانگین، انحراف استاندارد و ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش شامل مؤلفه‌های پردازش هیجانی (سرکوبی هیجانی، هیجان‌ات تنظیم نشده، فقر تجربه هیجانی، هیجان‌ات غیر پردازش شده و اجتناب هیجانی)، توازن خود (خود ایده‌آل فردی، خود بایدی فردی، خود ایده‌آل دیگری و خود بایدی دیگری)، حل مسئله انطباقی (جهت‌گیری مثبت و حل منطقی مسئله) و حل مسئله غیر انطباقی (جهت‌گیری منفی، سبک اجتنابی و سبک تکانشی/بی‌دقتی) را نشان می‌دهد.

1. Hardin
2. Leong

فاطمه سادات سپیده دم و همکاران: مدل یابی معادلات ساختاری اثر پردازش اطلاعات هیجانی بر حل مسئله اجتماعی ...

جدول 1. ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش

14	13	12	11	10	9	8	7	6	5	4	3	2	1	متغیرهای تحقیق
													-	پردازش هیجانی - سرکوبی هیجانی
												-	0/21**	پردازش هیجانی - هیجان‌ات تنظیم نشده
											-	0/40**	0/49**	پردازش هیجانی - فقر تجربه هیجانی
											-	0/52**	0/47**	پردازش هیجانی - هیجان‌ات غیر پردازش شده
									-	0/39**	0/36**	0/43**	0/20**	پردازش هیجانی - اجتناب هیجانی
								-	0/21**	0/32**	0/32**	0/14*	0/32**	توازن خود - خود ایده ال فردی
							-	0/47**	0/19**	0/25**	0/23**	0/16**	0/26**	توازن خود - خود بایستی فردی
						-	0/42**	0/44**	0/22**	0/35**	0/29**	0/29**	0/21**	توازن خود - خود ایده ال دیگری
					-	0/59**	0/58**	0/46**	0/18**	0/27**	0/28**	0/19**	0/26**	توازن خود - خود بایستی دیگری
				-	0/35**	0/36**	0/40**	0/35**	0/20**	0/34**	0/31**	0/22**	0/23**	حل مسئله انطباقی - جهت گیری مثبت
			-	0/59**	0/41**	0/36**	0/39**	0/33**	0/15**	0/25**	0/27**	0/24**	0/17**	حل مسئله انطباقی - حل منطقی
		-	0/37**	0/44**	0/36**	0/35**	0/39**	0/34**	0/34**	0/40**	0/45**	0/35**	0/39**	حل مسئله غیر انطباقی - جهت گیری منفی
	-	0/52**	0/35**	0/34**	0/33**	0/27**	0/27**	0/29**	0/20**	0/31**	0/27**	0/29**	0/21**	حل مسئله غیر انطباقی - سبک اجتنابی
-	0/49**	0/52**	0/28**	0/24**	0/40**	0/41**	0/34**	0/36**	0/30**	0/36**	0/38**	0/36**	0/25**	حل مسئله غیر انطباقی - سبک تکانشی لی دقتی
12/04	7/92	07/11	16/79	17/17	3/30	3/19	3/58	3/31	18/13	41/13	12/79	11/77	12/07	میانگین
3/62	2/94	3/99	4/00	3/90	0/82	0/87	0/85	0/91	24/3	4/26	3/56	3/02	4/58	انحراف استاندارد

$$0/01 > P^{**} \text{ و } 0/05 > P^*$$

جدول 1 نشان می دهد که همه مؤلفه‌های پردازش هیجانی با مؤلفه‌های حل مسئله انطباقی به صورت منفی و با مؤلفه‌های حل مسئله غیر انطباقی به صورت مثبت و در سطح معناداری 0/01 همبسته بودند.

جدول 2. کشیدگی، چولگی، عامل تورم واریانس و ضریب تحمل متغیرهای پژوهش

متغیر	چولگی	کشیدگی	ضریب تحمل	تورم واریانس (VIF)
پردازش هیجانی - سرکوبی هیجانی	0/308	-0/805	0/662	1/510
پردازش هیجانی - هیجان‌ات تنظیم‌نشده	-0/061	-0/263	0/666	1/501
پردازش هیجانی - فقر تجربه هیجانی	-0/113	-0/304	0/538	1/858
پردازش هیجانی - هیجان‌ات غیر پردازش شده	-0/215	-0/471	0/563	1/776
پردازش هیجانی - اجتناب هیجانی	-0/293	-0/195	0/733	1/364
توازن خود - خود ایده‌آل فردی	-0/188	-0/433	0/600	1/667
توازن خود - خود بایدی فردی	-0/649	0/335	0/548	1/824
توازن خود - خود ایده‌آل دیگری	-0/196	-0/058	0/572	1/748
توازن خود - خود بایدی دیگری	-0/370	0/055	0/499	2/006
حل مسئله انطباقی - جهت‌گیری مثبت	-0/267	-0/343	متغیر ملاک	متغیر ملاک
حل مسئله انطباقی - حل منطقی	-0/345	-0/207	متغیر ملاک	متغیر ملاک
حل مسئله غیر انطباقی - جهت‌گیری منفی	0/741	0/072	متغیر ملاک	متغیر ملاک
حل مسئله غیر انطباقی - سبک اجتنابی	0/599	0/580	متغیر ملاک	متغیر ملاک
حل مسئله غیر انطباقی - سبک تکانشی/لبی دقتی	0/163	-0/486	متغیر ملاک	متغیر ملاک

مربوط به چولگی و کشیدگی هیچ کدام از متغیرهای پژوهش خارج از محدود $2 \pm$ نیست. همچنین ارزیابی مقادیر ضریب تحمل و تورم واریانس نشان می دهد که مفروضه هم خطی بودن در بین متغیرهای پیش بین برقرار است. زیرا که ضریب تحمل و تورم واریانس متغیرهای پیش‌بین به ترتیب بزرگتر از 0/1 و کوچکتر از 10 بود (رک میرز، گوارینو و گامست³، 2006). لازم به توضیح است که بررسی مقادیر کشیدگی و چولگی اطلاعات مربوط به «فاصله مهلنوبیس (D)⁴» و بررسی

برای ارزیابی برقراری/عدم برقراری مفروضه‌های نرمال بودن توزیع داده‌ها مقادیر کشیدگی و چولگی و برای ارزیابی مفروضه همخطی بودن مقادیر عامل تورم واریانس¹ (VIF) و ضریب تحمل² متغیرهای پیش‌بین مورد بررسی قرار گرفت که نتایج آن در جدول 2 قابل مشاهده است.

ارزیابی شاخص‌های کشیدگی و چولگی در جدول 2 نشان می دهد که توزیع داده‌های تک متغیری در پژوهش حاضر نرمال است، زیرا که شاخص‌های

3. Meyers, Gamest & Goarin
4. Mahalanobis distance (D)

1. Variance inflation factor
2. Tolerance

انطباقی و حل مسئله غیر انطباقی نشان می‌دهد. جدول 3 نشان می‌دهد که بالاترین بار عاملی متعلق به نشانگر جهت‌گیری منفی ($\beta=0/795$) حل مسئله غیر انطباقی و پایین‌ترین بار عاملی متعلق به نشانگر اجتناب هیجانی ($\beta=0/325$) پردازش شناختی هیجان است. به عبارت دیگر همه بارهای عاملی بالاتر از $0/32$ بوده و بنابراین همه نشانگرهای مدل اندازه‌گیری از توان لازم برای اندازه‌گیری متغیرهای مکنون پژوهش حاضر برخوردار بودند.

به دنبال اطمینان از برازش مطلوب مدل اندازه‌گیری با داده‌های گردآوری شده، مدل ساختاری پژوهش با استفاده از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری مورد آزمون قرار گرفت.

در این مدل چنان فرض شده بود که پردازش اطلاعات هیجانی هم به صورت مستقیم و هم با میانجیگری توازن خودها بر حل مسئله انطباقی و حل مسئله غیر انطباقی اثر دارد. منطبق بر انتظار و با توجه به برابری تعداد متغیرهای مشاهده شده، متغیرهای مکنون و درجات آزادی در مدل‌های اندازه‌گیری و ساختاری، شاخص‌های برازندگی مشابهی برای مدل ساختاری به دست آمد و چنین نتیجه‌گیری شد که مدل ساختاری نیز همانند مدل اندازه‌گیری با داده‌های گردآوری شده برازش دارد. جدول 4 ضرایب مسیر بین پردازش اطلاعات هیجانی، توازن خودها و حل مسئله انطباقی و حل مسئله غیر انطباقی را نشان می‌دهد.

نمودار پراکنندگی واریانس‌های «استاندارد شده خطاها» نشان داد که مفروضه‌های نرمال بودن توزیع داده‌های چند متغیری و همگنی واریانس‌ها نیز در بین داده‌های پژوهش حاضر برقرار است. برای آزمون فرضیه‌ها از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری استفاده شد. در مدل اندازه‌گیری پژوهش حاضر چنین فرض شده بود که متغیر مکنون پردازش هیجانی به وسیله نشانگرهای سرکوبی هیجانی، هیجان‌ات تنظیم نشده، فقر تجربه هیجانی، هیجان‌ات غیر پردازش شده و اجتناب هیجانی، متغیر مکنون توازن خود به وسیله نشانگرهای خود ایده‌آل فردی، خود بایدی فردی، خود ایده‌آل دیگری و خود بایدی دیگری، متغیر مکنون حل مسئله انطباقی به وسیله نشانگرهای جهت‌گیری مثبت و حل منطقی مسئله و متغیر مکنون حل مسئله غیر انطباقی به وسیله نشانگرهای جهت‌گیری منفی، سبک اجتنابی و سبک تکانشی/بی‌دقتی سنجیده می‌شود. به کارگیری تحلیل عاملی تأییدی با استفاده از نرم افزار $0/18$ AMOS و برآورد بیشینه احتمال² (ML) نشان داد که مدل اندازه‌گیری با داده‌های گردآوری شده به صورت مطلوب برازش دارد. ($N = 308, df=71$) = $0/070$ ، $\chi^2 = 0/912$ ، $GFI^4 = 0/941$ ، $CFI^3 = 0/958$ ، $AGFI^6$ و $(RMSEA^5 = 0/053)$.

جدول 3 بار عاملی، خطای استاندارد و نسبت بحرانی را برای هر یک از نشانگرهای متغیرهای مکنون پردازش اطلاعات هیجانی، توازن خودها، حل مسئله

1. Standardized residuals
2. Maximum Likelihood
3. Comparative fit index
4. Goodness of fit index
5. Adjusted Goodness of fit index
6. Root Mean Square Error of Approximation

جدول 3. پارامترهای مدل اندازه‌گیری پژوهش در تحلیل عاملی تأییدی

t	SE	β	b	متغیر مکنون - نشان‌گر
		0/534	1	پردازش هیجانی - سرکوبی هیجانی
7/27	0/098	0/578	0/714	پردازش هیجانی - هیجان‌ات تنظیم نشده
8/29	0/130	0/737	1/075	پردازش هیجانی - فقر تجربه هیجانی
8/18	0/152	0/714	1/246	پردازش هیجانی - هیجان‌ات غیر پردازش شده
6/70	0/101	0/511	0/677	پردازش هیجانی - اجتناب هیجانی
		0/642	1	توازن خود - خود ایده ال فردی
9/88	0/104	0/704	1/025	توازن خود - خود بایدی فردی
9/78	0/107	0/694	1/041	توازن خود - خود ایده ال دیگری
10/59	0/104	0/782	1/101	توازن خود - خود بایدی دیگری
		0/642	1	حل مسئله غیر انطباقی - سبک اجتنابی
9/64	0/137	0/692	1/324	حل مسئله غیر انطباقی - سبک تکانشی لبی دقتی
10/47	0/160	0/795	1/679	حل مسئله غیر انطباقی - جهت گیری منفی
		0/775	1	حل مسئله انطباقی - جهت گیری مثبت
9/90	0/102	0/762	1/008	حل مسئله انطباقی - حل منطقی

**P<0/01

شده، بنابراین خطای استاندارد و نسبت بحرانی آن‌ها محاسبه نشده است.

نکته: بارهای عاملی استاندارد نشده مربوط به نشانگرهای سرکوبی هیجانی، خود ایده‌ال فردی، سبک اجتنابی و جهت‌گیری مثبت با عدد 1 تثبیت

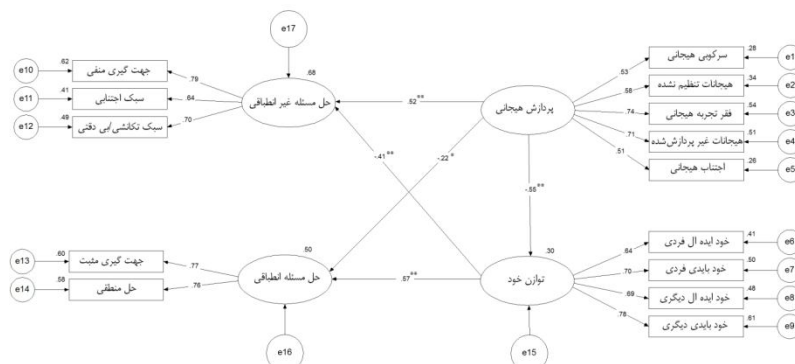
جدول 4. ضرایب مسیر کل، مستقیم و غیر مستقیم بین متغیرهای پژوهش در مدل ساختاری

حل مسئله غیر انطباقی				حل مسئله انطباقی				مسیرها	
sig	β	S.E	b	sig	β	S.E	b		
0/001	0/748	0/110	0/779	0/001	-0/528	0/104	-0/662	پردازش شناختی	اثر کل
0/001	0/519	0/110	0/541	0/037	-0/216	0/123	-0/271	پردازش شناختی	اثر مستقیم
0/001	-0/415	0/451	-1/804	0/001	0/565	0/580	2/961	توازن خودها	اثر غیر مستقیم
0/001	0/229	0/071	0/238	0/001	-0/311	0/086	-0/391	پردازش شناختی	

ضریب مسیر غیر مستقیم بین پردازش اطلاعات هیجانی با حل مسئله انطباقی ($\beta=-0/311, P<0/01$) منفی و با حل مسئله غیر انطباقی ($\beta=0/229, P<0/01$) مثبت و در سطح 0/01 معنادار است. این یافته بیانگر آن است که توازن خودها اثر پردازش شناختی هیجان بر حل مسئله انطباقی را به صورت منفی و بر حل مسئله غیر انطباقی را به صورت مثبت و معنادار میانجی‌گری می‌کند.

جدول 4 نشان می‌دهد که ضریب مسیر کل بین پردازش اطلاعات هیجانی با حل مسئله انطباقی ($\beta=-0/528, P<0/01$) منفی و با حل مسئله غیر انطباقی ($\beta=0/748, P<0/01$) مثبت و در سطح 0/01 معنادار است. همچنین ضریب مسیر بین توازن خودها با حل مسئله انطباقی ($\beta=0/565, P<0/01$) مثبت و با حل مسئله غیر انطباقی ($\beta=-0/415, P<0/01$) منفی و در سطح 0/01 معنادار بود. نتایج جدول 4 نشان می‌دهد که

شکل 1 روابط بین پردازش اطلاعات هیجانی، توازن خودها و حل مسئله انطباقی و حل مسئله غیرانطباقی را نشان می‌دهد.



شکل 1. روابط بین پردازش اطلاعات هیجانی، توازن خودها و حل مسئله انطباقی و حل مسئله غیرانطباقی

معنادار میانجیگری می‌کند. نتایج بدست آمده همسو با یافته‌های پژوهش زارع و همکاران (1396) است که نشان دادند افراد افسرده در حل مسئله راه حل‌های ناکارآمدی را نسبت به افراد مضطرب و سالم به کار می‌گیرند. افراد افسرده به دلیل خلق منفی و نقص در کارکردهای اجرایی، در بازیابی خاطرات سرگذشتی به طور اختصاصی دچار مشکل می‌شوند و این مشکل در بازیابی، حل مسائل آن‌ها را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد و باعث می‌شود که راه حل‌های کمتر مؤثری را تولید کنند (زارع و همکاران، 1397). می‌توان ادعان داشت که با رشد و پیشرفت سطوح تفکر انتقادی، به عنوان توانمندی و قابلیت اثرگذار بر خودراهبری و حل مسئله، سطوح یادگیری خودراهبر و حل مسئله نیز در دانشجویان ارتقاء خواهد یافت (نهروانیان و زارع، 1396). همچنین آموزش حل مسئله ابداعی به گونه‌ای معنادار در بهبود آن بخش‌هایی از خلاقیت، نوآوری و تفکر اعضا هیئت علمی دانشگاه که

همچنان که در شکل فوق ملاحظه می‌شود مجموع مجذور همبستگی‌های چندگانه برای بعد غیر انطباقی حل مسئله برابر با $0/68$ و برای بعد انطباقی آن برابر با $0/50$ به دست آمده است. این یافته بیانگر آن است که پردازش اطلاعات هیجانی و توازن خود در مجموع 68 درصد از واریانس بعد غیر انطباقی حل مسئله و 50 درصد از واریانس بعد انطباقی آن را تبیین می‌کنند.

نتیجه‌گیری و بحث

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که مدل اندازه‌گیری با داده‌های گردآوری شده به صورت مطلوب برازش دارد و همه نشانگرهای مدل اندازه‌گیری از توان لازم برای اندازه‌گیری متغیرهای مکنون پژوهش حاضر برخوردار بودند. این یافته بیانگر آن است که توازن خودها اثر پردازش اطلاعات هیجانی بر حل مسئله انطباقی را به صورت منفی و بر حل مسئله غیر انطباقی را به صورت مثبت و

(2003)، ارتباط میان توانایی شخص در بهبود روابط صمیمانه را با خود هم خوانی‌های ایده‌آل گزارش کرده‌اند. الاین⁸ و همکاران (2006) در بررسی جامع به ارائه مدل و ارتباط بین حافظه، ساختارهای شناختی، خود و هیجان در ارتباط با افسردگی می‌پردازند.

در این مدل تأکید بر درک ریشه اضطراب بر اساس خود، هیجان، حافظه و ساختار شناختی فرد است. پژوهش راپاریا⁹ و همکاران (2016) نشان می‌دهد هیجان‌ات مخدوش علاوه بر ایجاد سوگیری توجه موجب نقص در پردازش هیجانی می‌شوند و افرادی که هنگام پردازش هیجانی سبک‌های ناکارآمد را بر می‌گزینند در برابر مشکلات آسیب پذیرتر هستند. با توجه به یافته‌ها به نظر می‌رسد آموزش و ارتقاء جنبه‌های پردازش هیجانی در کارکنان مهارت حل مسئله اجتماعی در آنان را ارتقاء می‌بخشد همچنین کمک به رفع عدم توازن خود در زمینه حل مسئله اجتماعی می‌تواند نتایج مثبت سازمانی به همراه داشته باشد.

با تشکر از زحمات جناب آقای دکتر حسین زارع که در تمام مراحل اجرای این پژوهش راهنمایی و مساعدت صبورانه ایشان راه گشا بود، پیشنهاد می‌شود سایر محققین در جامعه‌های دیگر پژوهش انجام شده را تکرار نمایند.

بیشتر تحت تأثیر یادگیری است مؤثر واقع می‌گردد (آذری و زارع، 1393). یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهد، آموزش حل مسئله بر فرآیندهای خودجوش نظم‌دهنده (انتخاب، بهینه‌سازی، و جبران در دانشجویان تأثیر معناداری داشته است (ذوالفقاری و زارع، 1393).

نتایج بدست آمده همسو با یافته‌های شی هو¹ و همکاران (2018) نشان دادند که فیدبک منفی منجر به تسلیم شدن در رسیدن به هدف می‌شود از طرف دیگر یو² (2011) گزارش کرد که هماهنگی میان خودهای موجود می‌تواند عملکرد روابط بین شخصی را بهبود بخشد.

دمیرال³، درمال⁴ و کاراگدیک⁵ (2015) نشان دادند که یک رابطه متوسط مثبت و معنادار بین مهارت تفکر تأملی با حل مسئله و نگرش نسبت به ریاضیات وجود دارد. در این راستا هامارتا⁶ (2009) بیان می‌کند که عزت نفس و رضایت از زندگی به طور مثبت با جهت‌گیری مثبت به حل مسئله منطقی ارتباط دارد و همچنین این دو به طور منفی با جهت‌گیری منفی - بی دقتی و اجتناب در ارتباط بودند. دورایراج (2013) در پژوهشی به وجود رابطه بین هیجان و پردازش اطلاعات هیجانی و جنبه‌های خود اشاره می‌کند. روبین و بولدرو⁷

1. Shi hu
2. yoo
3. Demiral
4. Dermal
5. Karagdic
6. Hamarta
7. Robins & Boldero

8. Elaine
9. Raparia

منابع

- ابوالقاسمی، ع. و کیامرش، آ. (1387). «بررسی ارتباط حل مسئله اجتماعی و مؤلفه‌های آن با الگوهای شخصیتی خودشیفته و ضد اجتماعی در دانش‌آموزان دبیرستان‌های اردبیل». *مطالعات روان‌شناختی*، 4، 26-10.
- ابوالعالی، خ؛ کیوان، ل. و سعادت‌ی شامیر، ا. (1392). «پیش‌بینی مهارت‌های حل مسئله اجتماعی بر اساس ترتیب تولد و سبک‌های دلبستگی». *پژوهشنامه تربیتی*، 33.
- آذری، ش. و زارع، ح. (1393). «تربخشی آموزش نظریه حل مسئله ابداعی (TRIZ) بر خلاقیت، نوآوری و تفکر علمی اعضای هیات علمی». *فصلنامه تازه‌های روان‌شناسی صنعتی/سازمانی*، سال 4، شماره 15، 100-87.
- اسماعیلی، م؛ زارع، ح؛ علی‌پور، ا. و اورکی، م. (1397). «مدل‌یابی رابطه بین نقص در کارکرد اجرایی با حل مسئله ناکارآمد در افراد مبتلا به افسردگی اساسی: نقش واسطه‌ای حافظه سرگذشتی بیش‌کلی‌گرا». *فصلنامه علمی - پژوهشی عصب روان‌شناسی*، 1397؛ 4(12): 60-45.
- لطفی، ص؛ ابوالقاسمی، ع. و نریمانی، م. (1392). «مقایسه پردازش هیجانی و ترس از ارزیابی‌های منفی و مثبت در زنان دارای فوبی اجتماعی و زنان عادی». *مجله دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی*، 14(1)، 101-3.
- ذالفقاری، ح؛ زارع، ح؛ فرج‌اللهی، م. و ملکی، ح. (1393). «تربخشی آموزش حل مسئله در فرآیندهای خود جوش نظم دهند انتخاب، بهینه‌سازی، و جبران در
- دانشجویان». *مجله علوم روان‌شناختی*، سال 13، شماره 51، 400-376.
- زارع، ح. و نهرانیان، پ. (1396). «ثر آموزش تفکر انتقادی بر سبک‌های حل مسئله و یادگیری خودراهبر». *تازه‌های علوم شناختی*، سال 19، شماره 2، 12-2.
- زارع، ح؛ و اسماعیلی، م. (1396). «بازیابی خاطرات از حافظه سرگذشتی و ارتباط آن با حل مسئله در افراد افسرده و مضطرب». *مجله روان‌شناختی شناختی*، 13.
- زارع، ح؛ و برادران، م. (1393). «هنجاریابی پرسشنامه استدلال تورپ در دانشجویان». *فصلنامه پژوهش‌های نوین روان‌شناختی دانشگاه تبریز*، 9(34)، 41-55.
- زارع، ح؛ و شریفی، ع. ا. (1397). *روان‌شناسی شناختی*. تهران: دانشگاه پیام نور.
- زارع، ح. و عبدالله زاده، ح. (1391). *مقیاس‌های اندازه‌گیری در روان‌شناسی شناختی*. تهران: آئیژ.
- زارع، ح. و لطف‌الله، ف. (1391). *خلاقیت، حل مسئله و تفکر راهبردی*. تهران: دانشگاه پیام نور.
- سمایکل، آ. و مارک ت. ک. (2010). *روان‌شناسی شناختی*. زبان، تفکر، هیجان‌ها و هشیاری. (ترجمه حسین زارع، 1397). تهران: انتشارات ارجمند.
- سمیرزا حسینی، ح. (1387). «پیش‌بینی بهزیستی در مبتلایان به هراس اجتماعی بر اساس انواع خود ناهمخوانی». *روان‌شناسی معاصر*، 3(2).
- Adler, A. (1964). *Problems of neurosis*. New York: Harper & Row.
- Bak, W. (2014). "Self- standards and self-discrepancies : A structural model of self-

- knowledge". *Current Psychology*, 33, 155-173.
- Bakar, e., Thomas, S. Thomas, P. W., Owwns, M. (2007). "Development of an emotional processing scale". *Journal of psychosomatic Research*, 62, 167-178.
- Bruch M. A., Rivet, K. M., & Laurenti, J. (2000). "Type of self-discrepancy and relationships to components of tripartite model of emotional distress". *personality and individual differences*, 29, 37-44.
- Chan, P., R., D., K., S. (1997). "Cultural differences in the relation between self-discrepancy and life satisfaction". *International Journal of Psychology*, 32(6), 387-398.
- Demiral. M, Derman. I, & Karagedik. E. (2015). A study on the relation ship between reRlective tininking skills towards problem solving and attitudes towards mathematics.
- Dolan, R. J. (2002) emotion, cognition and behavior science, 298 (5596), 1191- 1194.
- Durairaj (Mahesh) M., & Daphna O. (2013). Call for papers for a special issue in Journal of Consumer Psychology: "Emotion, self, and identity: Implications for and consequences of consumer behavior"
- D'zurilla, T. J., Chang, E. C., & Sanna, L. J. (2003). "Self-esteem and social problem solving as predictors of aggression in college students". *J Soc Clin Psychol.*;22(4):424-40
- D'Zurilla, T. J., & Nezu, A. M. (2001). Problem solving therapies. In Dobson, K. S. (Ed) Hand book of Cognitive-Behavvioral Therapies, New York: Guilford Press.
- D'Zurilla, T. J., & Nezu, A. M. (2007). Problem solving therapy: A social competence approach to clinical intervention. New York: Springer.
- Elaine, S., Barry, A. T, Mary, J., Naus, b., & Lynn, P. R. (2006). "Depression, implicit memory, and self: A revised memory model of emotion", *Clinical Psychology Review* 26 . 719 – 745.
- Foa, E. B., and kozak, M. S. (1986). "Emotional processing of fear: exposure to corrective information". *Psychological bulletin*, 99(1), 20
- Hardin, E. E. (2002). "Depression and social anxiety among Asian and European Americans: the roles of self-discrepancy, optimism, and pessimism. Doctoral dissertation, The Ohio state University", *Dissertation Abstracts International*, 63, 2056.
- Hardin, E. E., & Leong, F. T. (2005). "Optimism and pessimism as mediators of the relations between self- discrepancies and distress among Asian and European". *Americans Journal of Counseling Psychology*, 52, 25-35.
- Harmata, E. (2009). "A prediction of self-esteem and life satisfaction social problem sonving". *Social behavior and personality* , 37 (1) , 73- 82.
- Higgins, E. T. (1987). "Self- discrepancy : a theory relating self and affect". *Psychological Review*, 94, 319- 340.
- Higgins, E. T. (1989). "Self- discrepancy theory: what patterns of self beliefs cause people to suffer Advances in experimental." *social psychology*, 22, 93-136.
- Janassen, D, h. (2011). Lwarning to solve problem : A hand book for designing problem solving learning environments.
- Johnson, D. R., Amoloza, T. O., & Booth, A. (2003). "Stability and developmental change in marital quality : A three- wave

- panel analysis". *Journal of Marriage and the Family*. 582- 594.
- Malik, S., Balda, S., & punia, S. (2006). "Socio-emotional behavior and social problem solving skills of 6-8 year-old children", *journal of social science*, 12(1), 55-58.
- Marganska, A., Gallagher, M., & Miranda, R. (2013). "Adult attachment, emotion dysregulation, and symptoms of depression and generalized anxiety disorder". *American Journal of Orthopsychiatry*, 83(1), 131-141.
- Martini, T. S., & Bosseri, M. A. (2010). "Emotion Regulation strategies and goals as predictors of older mothers and Adult Daughters. Helping- Related Subjective well- Being". *Psychology and aging*. 25. 48- 59.
- Maydeu-Olivares, A. and et al, (2000). "Psychometric properties of the Spanish Adaptation of social problem solving inventory – Revised (SPSI- R)", *personality and individual Differences*, 29, 699- 708.
- Meyers, L. S, Gamst, G., & Goarin, A. J. (2006). *Applied multivariate research, design and interpretation*, Thousand oaks. London. New Delhi, Sage publication.
- Rachman, S. J. (1980). "Emotional processing". *Behaviour Research and Therapy*; 18: 51- 60.
- Raparia, E., Coplan, J. D., Abdallah. C. G., & Hof, P. R. (2016). "Impact of childhood emotional processing in patients with generalized anxiety disorder". *journal of affective disorders*, 190, 414-423.
- Robins, G., & Boldero, J. (2003). "Relational discrepancy theory : The implications of self- discrepancy theory for dyadic relationships and for the emergence of social structure". *Personality and Social Psychology Review*, 7, 56- 74.
- Salisch, M., Haenel, M., & Freund, P. (2013). "Emotion understanding and cognitive abilities in young children". *Learn Individ Differ*. 26; (5): 15-9
- Shihu, M., Hood, P. A. C. (2018). "Nagative career feedback and career out comes: The mediating roles of self regulatory". *journal of vocational behavior*.
- Stevens, C., and Bavelier, D. (2013). "The role of selective attention on academic foundations : a cognitive neuroscience perspective". *Developmental cognitive neuroscience*, 2. s30-48.
- Valenza, G., and Scilingo, E. P. (2014). "Book summary and perspectives for future Research in Autonomic Nervous system Dynamics for mood and emotional state Recognition" *Springer international publishing*. (PP. 134. 143).
- Watson, N., Bryan, B. C., & Thrash, T. M. (2010). "Self- discrepancy : comparisons of the psychometric properties of three instruments". *Psychological assessment*, 22(4), 878.
- Wilson. E. O. (1962). Behavior of *Daceton armigerum* (Latreille), with a classification of self- grooming movements in ants. *Bulletin of the Museum of Comparative Zoology*.
- Yoo, J. J. (2011). Insecure attachment. Self- discrepancy, and suicidal tendency in a sample of Korean and Korean. American : A path model of suicide (Doctoral dissertation, Liberty University).